

اشتقاق زبان فارسی در چارچوب نظری رابرت برد

فریبا حسینی نشنیزی^۱

نازنین امیرارجمندی^۲

چکیده

در این مقاله، ماهیت و طبیعت اشتقاق براساس دیدگاه رابرت برد^۳ مورد بررسی قرار گرفته و سعی شده است با واژه‌های مشتق جمع‌آوری شده از زبان فارسی این پدیده توضیح داده شود. پرسش این است که اشتقاق زبان فارسی چگونه در چارچوب نظری رابرت برد جایگاه می‌یابد و چطور می‌توان از این نظریه در اشتقاق فارسی الگو گرفت. چنین فرض می‌شود که اشتقاق فارسی با الگوی مطرح در نظریه حاضر همراستا باشد. روش پژوهش به صورت کتابخانه‌ای است. واژگان مشتق از فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان (۱۳۸۴)، فرهنگ واژه‌سازی در زبان فارسی (۱۳۸۶)، فرهنگ فارسی عمید (۱۳۵۹) و کتاب اشتقاق پسوندی در زبان فارسی امروز (کشانی، ۱۳۷۱) استخراج و با استفاده از نمونه‌های استخراج شده از منابع گوناگون، طبیعت اشتقاق در زبان فارسی نشان داده می‌شود. جداسازی وندها و چگونگی واژه‌سازی هر واژه مشتق فارسی، هدف اصلی این پژوهش است. اشتقاق به عنوان گزینش واژگانی، عملکرد صرفی و نسبت‌های واژگانی از جمله موارد مهم و اساسی در این پژوهش است و با ارائه مثال‌ها و نمودارهای درختی بر اساس نظریه رابرت برد، به روشنی ماهیت اشتقاق در زبان فارسی بیان می‌شود. در این مقاله کوشیده‌ایم طبیعت اشتقاق را با ذکر نمونه‌هایی از زبان فارسی براساس دیدگاه رابرت برد با ارائه نمودارها و جدول‌هایی، مورد بحث و بررسی قرار دهیم. ماهیت اشتقاق زبان فارسی با ماهیتی که رابرت برد در نظریه خود مطرح نموده، همراستا است. درستی سه ماهیت مطرح در این نظریه در زبان فارسی با نمودارها و جدول‌ها ثابت شد.

واژه‌های کلیدی: نظریه رابرت برد، اشتقاق زبان فارسی، گزینش واژگانی در اشتقاق، عملکرد صرفی

اشتقاق، روابط واژگانی در اشتقاق

۱- مقدمه

کلمات از رهگذر عملکرد فرایندهای واژه‌سازی ساخته می‌شوند. بعضی از فرایندهایی که سبب ساخت واژه می‌گردند نسبت به بعضی دیگر فعال‌ترند و واژه‌های بیشتری را تولید می‌کنند. پدیده اشتقاق یا وند افزایی در زبان فارسی فرایندی پویا است و جزء دسته فرایندهای واژه‌سازی اصلی به شمار می‌رود. برخی از

^۱ دکتری تخصصی رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

fariba_hosseini1364@yahoo.com

n_arjmandi@yahoo.com

^۲ استادیار گروه زبان‌شناسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران

^۳ Robert Beard

زبان‌شناسان از جمله حق‌شناس (۲۷:۱۳۷۹)، و باطنی (۲۲۳:۱۳۷۲) فرایند اشتقاق را مهم‌ترین فرایند واژه‌سازی زبان فارسی می‌دانند. حق‌شناس معتقد است فرایند اشتقاق به این دلیل که قاعده‌مند بوده و کاملاً متکی بر مجموعه‌ای از قواعد و اصول است می‌تواند در مقام نظر تا بی‌نهایت واژه در اختیار گویشوران قرار دهد. با در نظر گرفتن اهمیت زیاد این فرایند در نظام واژه‌سازی زبان فارسی، در این مقاله به ماهیت آن از نگاه رابرت برد می‌پردازیم. طبق نظریه ماهیت اشتقاق رابرت برد، در این پژوهش طبیعت وندافزایی (اشتقاق) واژگان فارسی به لحاظ عملکردهای صرفی، ارتباطات و گزینش واژگانی بررسی شدند. هدف این پژوهش روشن ساختن طبیعت اشتقاق با ارائه مثال‌هایی از زبان فارسی است، اینکه برای ساخت یک کلمه مشتق به چه اجزایی نیازمندیم و ساختمان یک واژه مشتق از چه قسمت‌هایی تشکیل شده است. انتخاب واژه برای واژه‌سازی و در نهایت ساخت کلمه مشتق از اهمیت خاصی برخوردار است. عملکردهای ساخت-واژی نیز به نوبه خود دارای اهمیت است و آگاهی از این عملکردهای صرفی به ساخت واژه‌هایی منجر می‌گردد که مطابق با اصول و قواعد خاص زبان فارسی و کاملاً موافق و قابل قبول در فرهنگ زبان فارسی است. توجه به نسبت‌های واژگانی و ارتباط واژه مشتق ساخته شده، با واژه قبلی پیش از اعمال فرایند وندافزایی نیز مهم است. دانستن مقوله‌های دستوری واژه‌ها، قبل و بعد از فرایند اشتقاق نیز حائز اهمیت است چرا که هم سبب داشتن یک فرایند واژه‌سازی صحیح در زبان می‌گردد و هم از تولید نادرستی جملات زبانی می‌کاهد. بعد از توصیف هر ماهیت در انتها نمودارها و جدول‌هایی برای ساده‌سازی ماهیت وندافزایی ارائه شده است.

۲- پیشینه پژوهش

عباسی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «مقایسه فرایند اشتقاق در دو گونه علمی و محاوره‌ای زبان فارسی» بررسی می‌نماید که فرایند اشتقاق در حوزه‌های گوناگون تفاوت‌های قابل توجهی دارد. رفیعی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «مفهوم عامل در واژه‌های مشتق زبان فارسی» به مسئله منشأ مفهوم عامل در واژه‌های مشتق از وندهای مشهور به اسم عامل‌ساز در زبان فارسی پرداخته است. داده‌های مورد استفاده واژه‌های مشتق هستند که تجزیه و تحلیل روی آنها صورت می‌گیرد. در نهایت با ارائه شواهدی از فرایندهای اشتقاق و ترکیب در زبان فارسی، معنی خود وند به عنوان منشأ مفهوم عامل در این گروه از واژه‌ها معرفی می‌شود. میرسعیدی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «وندافزایی در زبان فارسی: وندبنیاد یا پایه بنیاد؟» اشتقاق را بررسی کرده است و به این نتایج رسیده است که وندافزایی در زبان فارسی بر مبنای دیدگاه «پایه - بنیاد» «گیگ‌ریش» به میزان بیشتری نسبت به دیدگاه «وند- بنیاد» «کیپارسکی» و دیگران قابل توضیح و تبیین است. لنگرودی و دیگران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «ساخت موضوعی کلمات مشتق در زبان فارسی» به چنین نتیجه‌ای رسیدند که فقط وندهایی ساخت موضوعی کلمه پایه را تغییر می‌دهند که در ساختار معنایی - واژگانی آن کلمه تغییری ایجاد کرده‌باشند. افراشی (۱۳۸۸) در کتابی با عنوان ساخت زبان فارسی ساختمان کلمه در زبان فارسی و ساخت‌های اشتقاقی را بررسی کرده است. شقاقی (۱۳۸۶) در کتاب مبانی صرف خود توضیحات مختصری از فرایندهای واژه‌سازی داده است. برخی

از پسوندها و پیشوندها نیز با مثال‌هایی ذکر شده‌اند. برومند سعید (۱۳۸۳) در کتاب خود با عنوان *ریشه‌شناسی و اشتقاق در زبان فارسی* فرایند اشتقاق فارسی و ریشه کلمات را به روشنی توضیح داده است. فرشیدورد (۱۳۷۵) به بررسی فرایند اشتقاق پرداخته است و در مورد پیشوند افزایشی نفی در زبان فارسی توضیحاتی ارائه داده‌است. کشانی (۱۳۷۱) نیز اشتقاق پسوندی را در زبان فارسی ارائه کرده و پسوندهای زبان فارسی را به همراه طریقه ساخت واژه‌های مشتق مطرح نموده‌است. کلباسی (۱۳۷۱) در کتابی ساخت اشتقاق واژه را ارائه و فرایند واژه‌سازی را بررسی کرده است. انوری (۱۳۶۳) و قریب و دیگران (۱۳۶۳) هر کدام به فرایند اشتقاق پرداختند و پیشوندافزایی نفی را در زبان فارسی توضیح دادند. صادقی (۱۳۵۸) نیز پیشوندهای نفی را مورد بررسی قرار داد و چنین مطرح کرد که دو پیشوند «ن-» و «نا-» برای ساختن صفت و اسم منفی به کار می‌روند. (هورن، ۱۳۵۶) در کتابی با عنوان *اساس اشتقاق فارسی* پدیده اشتقاق وندهای زبان فارسی را با نمونه‌هایی ارائه کرده و توضیحات کاملی در مورد این فرایند واژه‌سازی عنوان نموده‌است. از زبان‌شناسان غربی افرادی هستند که در بحث اشتقاق و علم صرف صاحب‌نظر بوده‌اند و نظراتی سازنده در این حوزه ارائه داده‌اند. در این قسمت به ذکر نام برخی از آنان می‌پردازیم. اسپنسر^۱ (۲۰۰۱) نیز کتابی با عنوان *مورفولوژی* تالیف نمود که توضیحات درباره علم زبان‌شناسی و صرف محتوای این کتاب است. لاینز^۲ (۱۹۹۰) مقدمه‌ای مختصر از علم صرف در کتاب خود با عنوان *زبان‌شناسی* ارائه نموده‌است. بابیی^۳ (۱۹۸۵) نیز مطالعاتی در حوزه ساخت‌واژه و واژه‌سازی انجام داده است و ارتباط بین فرم و معنا را در بررسی‌ها مد نظر قرار داده است. ایشان در حوزه صرف در بین زبان‌شناسان غربی جایگاهی ویژه دارند. اسکالیز^۴ (۱۹۸۴) نیز توضیحاتی در خصوص علم صرف ارائه و فرایند واژه‌سازی را مطرح نموده است. الینی^۵ (۱۹۸۴) و آندرسون^۶ (۱۹۸۲) در علم صرف نظراتی را بیان کرده‌اند و کتاب‌هایی در این خصوص تالیف نموده‌اند. آدمز^۷ (۱۹۷۳) مقدمه‌ای در خصوص ساخت واژه ارائه داده و توضیحاتی در این حوزه مطرح نموده‌است.

۳- چارچوب نظری رابرت برد

رابرت برد یکی از زبان‌شناسان بنامی است که در جهان غرب در حوزه صرف فعالیت‌های چشمگیری ارائه داده است. یکی از این فعالیت‌ها بررسی در فرایند واژه‌سازی است. اشتقاق نیز یکی از این فرایندها است که رابرت برد ماهیت آن را در سه دسته معرفی نموده‌است. جایگاه اشتقاق در صرف از نگاه عاصی (۱۳۸۹) در نمودار زیر نشان داده شده است.

¹ Spencer, A.

² Lyons, J.

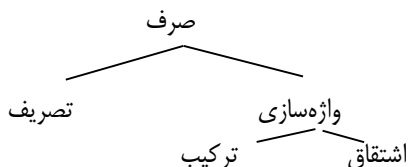
³ Bybee, J.L.

⁴ Scalise, S.

⁵ Alinei, M.

⁶ Anderson, S.R.

⁷ Adams, V.



این نمودار اهمیت اشتقاق را در واژه‌سازی و تولید واژگان جدید زبانی نشان می‌دهد. اکنون با دانستن این جایگاه به توضیح تقسیم‌بندی رابرت برد از این ماهیت زبانی می‌پردازیم. گزینش‌های واژگانی، عملکردهای صرفی و نسبت‌های واژگانی^۱ از جمله طبیعت‌های اشتقاق هستند که از نظر رابرت برد مطرح شدند. این سه ماهیت در فرایند واژه‌سازی موسوم به اشتقاق رخ می‌دهند. در این جا ماهیت واژگان مشتق طبق نظر رابرت برد بررسی می‌گردند، واژه مشتق از طریق وندافزایی ساخته می‌شود. به این صورت که واژه مورد نظر انتخاب می‌گردد و سپس وند متناسب، با واژه پیوند می‌خورد، یکسری عملیات ساختواژی روی آن اعمال می‌گردد و یکسری نسبت‌های واژگانی پیش از اعمال فرایند وندافزایی، ایجاد می‌شود. رابرت برد مثال‌های متنوعی از زبان‌های گوناگون در رابطه با سه ماهیت اشتقاق ارائه نموده است.

۳-۱- اشتقاق به عنوان گزینش واژگانی

در بحث اشتقاق منظور از گزینش واژه، انتخاب کلمه مناسب جهت قرارگرفتن در کنار یک وند مناسب است، در فرایند اشتقاق بین واژه و وند پیوند ایجاد می‌شود و در نهایت با کلمه‌ای مشتق روبرو هستیم. رابرت برد در اشتقاق به عنوان گزینش واژگانی مثال‌هایی از زبان انگلیسی ارائه نموده‌است و چنین بیان می‌کند که دانستن قواعد آوایی برای وند افزایشی ضروری است، سپس واژه‌سازی‌های سه کلمه bread draw bridge، unhealthy، winner را با نمودارهایی نمایش می‌دهد. اشتقاق در واژگان رخ می‌دهد و در علم صرف مورد بررسی قرار می‌گیرد و سبب واژه‌گزینی و واژه‌سازی در زبان‌ها می‌شود. انتخاب پیشوند و پسوند نیز مقوله واژه را تغییر می‌دهند به طور مثال گاهی اسم را به صفت و صفت را به قید و... تبدیل می‌نمایند و سبب گزینش واژگان متنوع، در زبان می‌گردند. نمودارهای نمایش داده شده در زیر، ماهیت اشتقاق را به عنوان گزینش واژگانی نشان می‌دهند (رابرت برد، ۱۹۸۸).



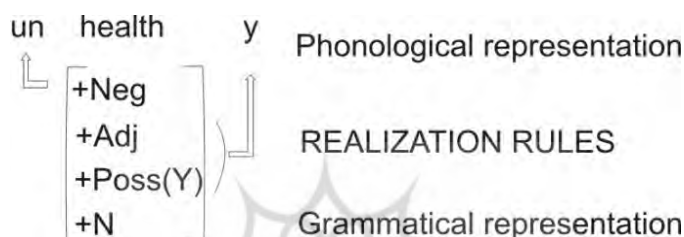
¹ Lexical Selection

² Morphological Operations

³ Lexical relations

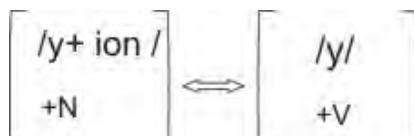
۳-۲- اشتقاق به عنوان عملکرد صرفی

اشتقاق به عنوان یک عملکرد و یا یکسری از عملکردها دیده می‌شود، درست در همان معنی و مفهومی که برد در نظر دارد (اسپنسر^۱ و دیگران ، ۲۰۰۱). در این نظر اشتقاق به عنوان فرایندی است که در آن درج و دوگان‌سازی و ژندها صورت می‌گیرد، مانند واژه «لرز لرزان» و «گج گچی». اشتقاق در واقع یکسری از نسبت‌ها و ارتباطات واژگانی است که به صورت ثابت صورت می‌پذیرد (اسپنسر و دیگران ، ۲۰۰۱). در ادامه به ارائه توضیحات در خصوص آن (نسبت‌ها و یا روابط واژگانی) می‌پردازیم. اشتقاق به عنوان عملکردهای صرفی از دیگر ماهیت‌های اشتقاق بشمار می‌آید. رابرت برد واژه *unhealthy* را سطح بندی می‌کند و مراحل صرفی تشکیل واژه مذکور را به ترتیب نشان می‌دهد. نمودار عملکردهای صرفی در زیر قرار دارد.



۳-۳- اشتقاق به عنوان روابط واژگانی

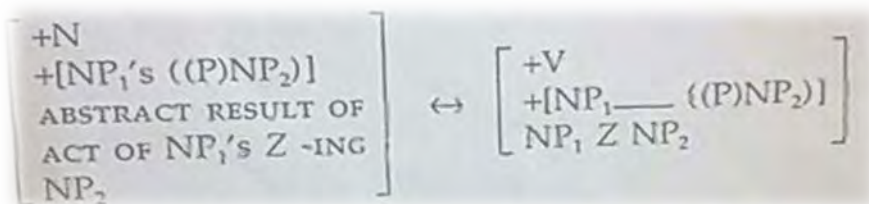
رابرت برد (۱۹۸۸) روابط واژگانی را نیز یکی از ماهیت‌های اشتقاق مطرح می‌نماید. اصول و قواعدی را برای آن در نظر می‌گیرد. قاعده اسم سازی را بیان می‌کند و رابطه اسمی که از یک فعل حاصل شده را با ارائه قواعدی نمایش می‌دهد. بین دو واژه‌ای که رابطه مشتق بین آنها است مطمئناً نسبت‌هایی بین واژگان تولید شده حاصل می‌گردد. برای مثال زمانی که از یک فعل اسم حاصل شود در واژه جدید تولید شده (اسم) حتماً ریشه‌هایی از واژه اول (فعل) مشاهده می‌گردد. نمودار این توضیح در زیر رسم شده است. زمانی که *-ion* به فعل مورد نظر متصل گردد حاصل اسمی می‌شود که با واژه ابتدایی پیش از فرایند اشتقاق رابطه و نسبت نزدیک دارد که این نسبت را رابرت برد به عنوان طبیعت اشتقاق می‌شناسد. به این صورت که هر واژه‌ای در حین واژه‌سازی موسوم به اشتقاق دارای چنین ماهیتی می‌گردد.



¹ Spencer, A.

² inserting

³ reduplicating



در قسمت‌های بعدی این پژوهش، مبحث اشتقاق رابرت برد با توجه به توضیحات ذکر شده در بالا، در داده‌های زبان فارسی مورد بررسی قرار می‌گیرد و به وسیله واژگان زبان فارسی سه ماهیت اشتقاق توضیح داده می‌شود. در جهان غرب، رابرت برد با عنوان کردن مبحث اشتقاق جایگاه ویژه‌ای در علم صرف در حوزه زبان‌شناسی می‌یابد. او به کمک نمودارها و قواعد زبانی، طبیعت خاص واژه‌گزینی را در زبان انگلیسی ارائه می‌نماید. در بخش بعدی برای ارائه توضیحات در خصوص ماهیت اشتقاق در زبان فارسی از روش رابرت برد استفاده می‌کنیم. مثال‌های ذکر شده از منابع معتبر و فرهنگ‌های لغت استخراج شده‌است. تحلیل‌ها و توصیف‌های این پژوهش را نگارنده با توجه به نظریه رابرت برد در زبان فارسی پیاده کرده‌است.

۴- روش کار پژوهش

روش پژوهش به صورت کتابخانه‌ای است. کتاب‌ها، مجلات و مقالات تحقیقی مورد مطالعه قرار گرفته‌است. داده‌های مورد استفاده در پژوهش حاضر، واژه‌های مشتق از پسوندهای (-ه)، (-بان)، (-ا)، (-اک)، (-ی)، (-ک)، (-ان)، (-ناک)، (-زا)، (-گون)، (-گاه)، (-گر)، (-ش)، (-دان)، (-وند)، (-زار)، (-ی)، (-ستان)، پسوندواژه‌های اسمی (-خانه)، (-سرا)، (-یار)، (-بازی)، پسوندواژه‌های فعلی (-سنج)، (-سنجی)، (-شناسی)، (-دار)، (-داری)، (-ساز)، (-سازی)، (-بر)، (-پذیر) و پیشوندهای (-هم)، (-نا)، (-غیر)، (-سر-ا)، (-با)، (-ب) است که از فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان (۱۳۸۴)، فرهنگ واژه‌سازی در زبان فارسی (۱۳۸۶)، فرهنگ فارسی عمید (۱۳۵۹) و کتاب اشتقاق پسوندی در زبان فارسی امروز (کشانی، ۱۳۷۱) استخراج شده‌اند. در ضمن برخی واژه‌های مشتقی که برای ذکر مثال در این مختصر ارائه می‌گردند واژگانی هستند که در علم زبان‌شناسی مورد استفاده قرار می‌گیرند. و واژگان تخصصی این رشته محسوب می‌شود. برخی از این لغات در پیوست این مقاله آورده شده‌اند. در این مقاله از نمونه‌های جمع‌آوری شده برای ارائه مثال‌ها، توضیح و تبیین ماهیت اشتقاق استفاده و واژه‌های مشتق موجود از سه جهت‌گزینش واژگانی، عملکردهای صرفی و نسبت‌های واژگانی بررسی و تحلیل شده است.

۵- تحلیل ماهیت اشتقاق زبان فارسی

واژه‌های پیچیده را بر اساس ساختمانشان به دو دسته می‌توان تقسیم کرد: ۱- واژه مشتق و ۲- واژه مرکب. در زبان فارسی زیاده‌ترین فرایندهای واژه‌سازی آنهایی هستند که کلمه هسته‌دار می‌سازند، واژه‌های مشتق یکی از آنها است (طباطبایی، ۱۳۸۲). در اینجا ماهیت واژگان مشتق بررسی می‌گردند، واژه مشتق از طریق وندافزایی ساخته می‌شود. به این صورت که واژه مورد نظر انتخاب می‌گردد و سپس وند متناسب با

واژه پیوند می‌خورد، یکسری عملیات ساختواژی روی آن اعمال می‌گردد و یکسری نسبت‌های واژگانی نیز بین واژه مشتق و واژه، پیش از اعمال فرایند وند افزایی، ایجاد می‌شود.

۵- ۱- اشتقاق به عنوان گزینش واژگانی

اشتقاق و اضافه کردن وند به یک کلمه، اصول و قواعد خاص خود را می‌طلبد. واژه از واژگان ذهنی انتخاب و بعد به صورت منظم با اصول ساختواژی زبان مورد نظر، یکسری وند با بررسی شرایط گوناگون به آن اضافه می‌شود، یعنی وندها طبق قواعد خاصی به واژه متصل می‌گردند. وند متناسب با شرایط انتخاب می‌شود و صورت آوایی نیز برای این انتخاب از اهمیت خاص برخوردار است. هر وندی نمی‌تواند به هر کلمه‌ای متصل شود واژه گزینی و انتخاب وند مناسب آن واژه مرحله اساسی وند افزایی است، چرا که در غیر این صورت با واژه‌های نادرستی در زبان مواجه خواهیم شد. پس یکی از ماهیت‌های اشتقاق «انتخاب واژه صحیح» برای داشتن یک واژه‌گزینی دستوری و با قاعده در زبان است. برای مثال به واژه درخت نمی‌توانیم «پیشوند ب-» یا «پسوند - ناک» را متصل کرد. تمام واژه‌های جدول شماره یک از یک فرایند واژه‌گزینی صحیح رد شده‌اند. پسوند اشتقاقی «- ی»، هنگامی که به اسم افزوده می‌شود، در موارد بی- شماری صفت می‌سازد، مانند واژگان مشتق (پشمکی، تخم مرغی، روزی) که در جدول شماره ۲ آورده شده‌اند. اما واژه‌های زیادی نیز وجود دارند که پسوند «- ی» آنها را به صفت تبدیل نمی‌کند، همانند کلمات «درختکاری، عمق یابی» که اسم بعد از افزوده شدن «- ی» به اسم و حاصل مصدر تبدیل شده‌اند. هسته ویژگی‌های مقوله‌ای خود را به درون کلمه که خود هسته آن است، می‌بخشد. آن عنصری از هر واژه پیچیده که مقوله دستوری آن را مشخص می‌کند، هسته به شمار می‌آید. این عنصر در واژه‌های مشتق یک وند (پیشوند یا پسوند) است. در جدول زیر اجزا و مقوله‌های تمام واژه‌های مشتق با نمودار درختی به نمایش گذاشته شده، مقوله هر واژه مشتق را بیرونی‌ترین وند آن تعیین می‌کند. واژه‌های مشتق زیر، کاملاً دستوری است چرا که واژه‌گزینی مناسبی بر آنها اعمال شده است با ملاحظه نمودارهای زیر این گفته نیز روشن می‌شود. برای مثال در «درختگون»، «مهربان»، «هم پشت»، «کوشا»، «بروز»، «سوزا»، «پذیرش»، «همساز»، «دانش آموزانه»، «هم ارز» به ترتیب پسوندها و پیشوندهای (-گون، -بان، هم - ، -ا، -ب، -ا، -ش، هم -، -انه، هم -) هسته به شمار می‌آیند، زیرا مقوله واژه را تعیین کرده‌اند. به این معنی که صفت بودن مهربان از پسوند «-بان» ناشی شده است اما همه وندهای فارسی باعث تغییر مقوله نمی‌شوند برای مثال (پسوندهای -زار، -ه، -دان، -گاه، -ستان، -بان) در واژه‌های «درختزار»، «دوده»، «حقوقدان»، «وب گاه»، «ریاضی دان»، «درختستان»، «نگهبان» به اسم افزوده شده‌اند و واژه مشتق همچنان به مقوله اسم تعلق دارد. این واژه‌ها در جدول شماره یک آورده شده‌اند. همین وضعیت بر پیشوندهای فارسی نیز حاکم است شماری از پیشوندهای فارسی باعث تغییر مقوله می‌شوند (مقوله گذران) همانند واژه «هم‌پشت» و «هم‌ارز» اما شماری دیگر باعث تغییر مقوله نمی‌شوند (مقوله ناگذران) مانند «سرسبز» و «سرجنگلبان» همچنان اسم باقی می‌مانند. این تقسیم‌بندی است که در سطح صرف برای وندهای فارسی در نظر می‌گیریم. البته باید توجه داشت که فرایندهای اشتقاقی ناگذران در سطح صرف

معتبر هستند. زیرا در درون یک طبقه بزرگ، یک یا چند زیر طبقه پدید می‌آورند مثلاً از ترکیب «خب» با «پسوند -اک» اسم مکان «خباک» ساخته می‌شود که تغییر در طبقه خود اسم حاصل می‌گردد. علی‌رغم تفاوت‌هایی که در ساختار صرفی این واژه‌ها وجود دارد اسم هستند اما هر گروه به زیر مقوله‌های متفاوتی تعلق دارد به بیان دیگر اشتقاق در کلیت خود فرایندی است که باعث تغییر مقوله می‌شود اما گاهی کل مقوله دستوری را تغییر می‌دهد و گاهی در داخل یک طبقه تغییر پدید می‌آورد (لاینز، ۱۹۹۰: ۳۱-۳۲). این تفاوت میان زیر مقوله‌های صرفی، در سطح نحو معتبر نیست و رفتارهای نحوی اسم مکان و اسم ابزار و مانند اینها همانند است. ماهیت اول اشتقاق را در واژگان زیر نمایش داده‌ایم.

<p>derakhtgun</p> <p>A+</p> <p>←</p> <p>-gun A+ deraxt N+</p>	<p>deraxtzar</p> <p>N+</p> <p>-zar deraxt N+</p>
<p>dudeh</p> <p>N+</p> <p>-eh dud N+</p>	<p>sarsabz</p> <p>A+</p> <p>Sar- sabz A+</p>
<p>nadorost</p> <p>A+</p> <p>Na- dorost A+</p>	<p>mehrban</p> <p>A+</p> <p>←</p> <p>-bân A+ mehr N+</p>

<p>Hampošt</p> <p>A+</p> <p>←</p> <p>pošt N+ Ham- A+</p>	<p>hoquqdan</p> <p>N+</p> <p>Hoquq N+ -dan</p>
---------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------

<p style="text-align: center;">nahampayeh</p> <p style="text-align: center;">A+</p> <pre> graph TD A["A+"] --- B["A+"] A --- C["Na-"] B --- D["N+"] B --- E["-ham"] D --- F["pay"] D --- G["-eh"] E --- A F --- N1["N+"] G --- N1 </pre>	<p style="text-align: center;">kuša</p> <p style="text-align: center;">A+</p> <pre> graph TD A["A+"] --- B["kuš"] A --- C["-a"] C --- D["(بن) V+"] C --- A B --- E["A+"] </pre>
<p style="text-align: center;">sarjangalban</p> <p style="text-align: center;">N+</p> <pre> graph TD A["N+"] --- B["N+"] A --- C["Sar-"] B --- D["jangan"] B --- E["-ban"] D --- F["N+"] </pre>	<p style="text-align: center;">beruz</p> <p style="text-align: center;">A+</p> <pre> graph TD A["A+"] --- B["ruz"] A --- C["Be-"] C --- D["A+"] C --- A B --- E["N+"] </pre>
<p style="text-align: center;">pazireš</p> <p style="text-align: center;">N+</p> <pre> graph TD A["N+"] --- B["pazir"] A --- C["-eš"] C --- D["N+"] C --- A B --- E["(بن) V+"] </pre>	<p style="text-align: center;">suza</p> <p style="text-align: center;">A+</p> <pre> graph TD A["A+"] --- B["suz"] A --- C["-za"] C --- D["A+"] C --- A B --- E["V+"] </pre>

<p style="text-align: center;">vebgah</p> <p style="text-align: center;">N+</p> <pre> graph TD A["N+"] --- B["-gah"] A --- C["web"] C --- D["N+"] </pre>	<p style="text-align: center;">hamsaz</p> <p style="text-align: center;">A+</p> <pre> graph TD A["A+"] --- B["Ham-"] A --- C["saz"] C --- D["N+"] C --- A B --- E["A+"] </pre>
------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

<p>riyazidan N+</p> <p>-dan riyazi N+</p>	<p>danešamuzaneh</p> <p>A+ N+</p> <p>-aneh</p> <p>N+</p> <p>amuz</p> <p>V+</p> <p>-eš dan N+ V+</p>
<p>hamarzar</p> <p>A+</p> <p>Ham- arz A+ N+</p>	
<p>negahban</p> <p>N+</p> <p>-ban negah N+</p>	<p>deraxtestan</p> <p>N+</p> <p>-estan deraxt N+</p>

جدول شماره ۱ - نمودار واژگان مشتق برای نمایش مقوله‌ها و واژه‌گزینی در زبان فارسی

۵-۲- اشتقاق به عنوان عملکرد صرفی

در فرایند اشتقاق یکسری عملکردهای صرفی اعمال می‌گردد. در صرف اشتقاقی یا همانند نظر متیوز^۱ اشتقاق یک واژه جدید با معنی جدید صورت می‌گیرد. در ابتدا اصول و قواعد عمل می‌کنند و پایه را برای قبول و دریافت ویژگی‌های اشتقاق آماده می‌نمایند و سپس وندها به کار برده می‌شوند. دانستن قواعد آوایی ویژه برای فرایند اشتقاق حائز اهمیت است. به طور مثال ستاک مرکب (پایه) «دانش آموز» به عنوان پایه فرایندهای اشتقاقی، (وند افزایی) حاصل می‌گردد و در نهایت، کلمه مرکب مشتقی همانند «دانش آموخته» ساخته می‌شود. در واقع یکسری فرایندهای صرفی اعمال گردیده است. قبل از اتصال وند به واژه باید

¹ Matthews

شرایط برای اتصال وند محیا گردد. در واژگان مشتقی که در جدول شماره دو درج شده‌اند عملکردهای صرفی که قبل از اتصال وند صورت می‌گیرند به طور کامل با رسم نمودار ارائه شده‌اند. عملکردهای صرفی ماهیتی از وند افزایشی است که در طی آن یکسری عملیات ساختواژی بر واژه اعمال می‌شود. این عملکردها پیش از اتصال وند صورت می‌گیرند.

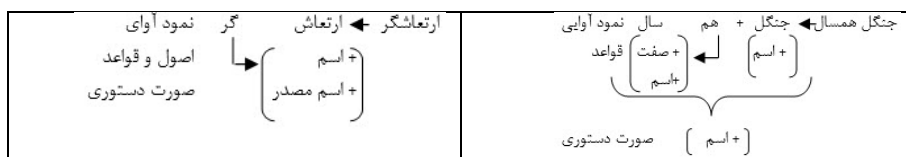
در ادامه عملکردهای صرفی برخی واژگان ارائه می‌شود. واژه مشتق «زرده» پیش از فرایند وند افزایشی صورت صفت را دارد و بعد از اتصال وند «-ه» به اسم تبدیل می‌شود. واژه متناسب با وند انتخاب شده است در نتیجه فرایند دستوری ایجاد گردید. در مورد ساخت و اشتقاق واژه «ژرفا» نیز به همین ترتیب عمل می‌شود. در مورد واژه «پشمکی» ابتدا فرایند صرفی اتصال پسوند «-ک» صورت می‌پذیرد سپس پسوند «-ی» آن را تبدیل به صفت می‌کند. در واژه «خباک» نیز عملکرد صرفی بین بن مضارع و پسوند «-اک» صورت می‌گیرد که در نهایت بعد از اشتقاق با یک اسم مکان روبرو هستیم. در واژه‌های «ناداشت»، «نادان»، «ناتوان» نیز به ترتیب یکسری فرایندهای صرفی بین بن ماضی / پیشوند «نا-»، بن مضارع / پیشوند «نا-» و اسم / پیشوند «نا-» ایجاد می‌شود که نتیجه هر یک از این عملکردها متفاوت است. در واژه «ناداشت» بعد از اعمال عملکرد صرفی با اسم مصدر مواجه هستیم در واژه «نادان» بعد از اعمال عملکرد با یک صفت منفی روبرو هستیم و در واژه «ناتوان» با یک صفت فاعلی (منفی). در واژه مشتق «تخم مرغی» ابتدا دو اسم «تخم» و «مرغ» به هم متصل می‌شوند و واژه «تخم مرغ» (اسم) حاصل می‌گردد بعد از آن پسوند «-ی» به اسم تخم مرغ افزوده می‌شود و صفت حاصل می‌شود. در واژه مشتق «دانش آموختگی» ما شاهد عملکردهای صرفی زیادی هستیم. ابتدا بن مضارع «دان» به پسوند «-ش» متصل می‌شود که حاصل یک اسم است. بعد از آن اسم «دانش» با بن مضارع «آموز» ترکیب می‌شود و واژه «دانش آموز» را به وجود می‌آورد. اکنون با واژه «دانش آموز» که مقوله آن «اسم» است روبرو هستیم. حال وند افزایشی با این واژه صورت می‌گیرد و در آخر نمود آوایی ما یک اسم مصدر است. صفت «روزی» و اسم «نرمش» نیز به ترتیب با اتصال اسم به پسوند «-ی» و صفت به پسوند «-ش» حاصل می‌شود. اما عملکرد در واژه «پذیرشگر» به چه صورت می‌تواند باشد؟ ابتدا بن مضارع «پذیر» به پسوند «-ش» متصل می‌شود و اسم «پذیرش» را به وجود می‌آورد، حال این اسم مجدداً با پسوند «-گر» پیوند می‌خورد و نتیجه نهایی یک واژه با مقوله «اسم» است. در واژه «بجا» پیشوند «ب-» به واژه‌ای که مقوله اسم دارد اضافه شده و واژه‌های مشتق با مقوله صفت ایجاد کرده است. عملکردهای صرفی واژه «دانش آموخته» نیز همانند واژه «دانش آموختگی» است با این تفاوت که پسوند «-گی» دیگر به آن اضافه نمی‌شود، در واژه «عمق یابی» نیز ابتدا واژه «عمق» با بن فعل «یاب» ترکیب می‌شود و در نهایت اسمی که از ترکیب این دو واژه حاصل گشته به پسوند «-ی» متصل می‌شود و اسم مصدر «عمق یابی» بعد از این عملیات صرفی حاصل می‌گردد. در واژه مشتق «خیر اندیشی» نیز چنین روندی طی می‌شود باید مد نظر داشت که پسوند «-ی» به ترکیب «خیر اندیش» متصل می‌گردد و نتیجه یک واژه دستوری است و اتصال پسوند «-ی» به واژه «اندیش» نادستوری است به همین دلیل ترتیب و روند وند افزایشی از

اهمیت خاص برخوردار است. تنها تفاوت واژه «عمق یابی» با واژه «خبر اندیشی» این است که از ترکیب واژه «خبر» و بن «اندیش» واژه‌هایی با مقوله صفت حاصل می‌شود، نه واژه با مقوله اسم. واژگان مشتق «درختکاری» و «ارتعاشگر» درست در عملکردهای صرفی عکس یکدیگرند، در واژه «درختکاری» ابتدا واژه «درخت» با واژه «کار» از همان مقوله ترکیب می‌شود و حاصل این دو اسم واژه‌ای با همین مقوله است بعد از آن طی فرایندی که به وندافزایی شناخته شده است پسوند «-ی» به این اسم می‌چسبد و حاصل مصدر را به دست می‌دهد. در واژه «ارتعاشگر» اسم مصدر با پسوند «-گر» پیوند می‌خورد و با واژه‌ای از مقوله اسم مواجه هستیم. در واژه «هرگزی» عملکرد صرفی، قید را به صفت مبدل می‌کند، اکنون نمود آوایی ما «هرگزی» است. در واژه «ناخوانا» بن مضارع «خوان» با پسوند «-ا» پیوند می‌خورد و صفت را به وجود می‌آورد و سپس آن صفت با پسوند منفی‌ساز «-نا» پیوند می‌خورد و واژه مشتق با مقوله صفت را به دست می‌دهد. واژه «جنگل همسال» نیز طی چندین عملکرد صرفی قرار می‌گیرد، ابتدا واژه «همسال» ایجاد می‌شود و وندافزایی رخ می‌دهد. پیشوند «هم-» به واژه‌ای با مقوله اسم مانند «سال» پیوند می‌خورد که نتیجه یک واژه با مقوله صفت است، آنگاه آن را با واژه جنگل ترکیب می‌کنیم و واژه «جنگل همسال» را ایجاد می‌نماییم. واژه «نیم خوراک» نیز طبق عملکردهای صرفی ایجاد می‌شود. ابتدا واژه «خوراک» ایجاد می‌شود به این ترتیب که بن مضارع با پسوند «-اک» یک واژه با مقوله اسم را می‌سازد. بعد از آن این واژه ساخته شده با واژه «نیم» ترکیب و واژه مشتق «نیم خوراک» ایجاد می‌شود. ماهیت دوم اشتقاق در واژگان زیر نمایش داده شده است.

<p>زرد ← زرد (+ اسم) (+ صفت)</p> <p>نمود آوایی اصول و قواعد صورت دستوری</p>	<p>زرقا ← زرق (+ اسم) (+ صفت)</p> <p>نمود آوایی اصول و قواعد صورت دستوری</p>
<p>پشمکی ← پشمک (+ صفت) (+ اسم) (+ اسم)</p> <p>نمود آوایی اصول و قواعد صورت دستوری</p>	<p>خیاک ← خب (+ اسم مکان) (+ بن مضارع)</p> <p>نمود آوایی اصول و قواعد صورت دستوری</p>
<p>ناداشت ← نا (+ اسم مصدر) (+ بن ماضی)</p> <p>نمود آوایی اصول و قواعد صورت دستوری</p>	<p>تخم مرغی ← تخم مرغ (+ صفت) (+ اسم) (+ اسم)</p> <p>نمود آوایی اصول و قواعد صورت دستوری</p>

<p>نمود آوایی اصول و قواعد صورت دستوری</p> <p>ت ه گمی</p>	<p>دانش آموختگی ← دان ش آموز</p> <p>+ اسم مصدر (+ اسم) (+ بن مضارع)</p> <p>(+ اسم) (+ اسم) (+ بن مضارع)</p>
<p>نمود آوایی اصول و قواعد صورت دستوری</p> <p>ش نرم ← نرمش</p> <p>(+ اسم) (+ صفت)</p>	<p>روزی ← روزی نمود آوایی</p> <p>ی (نمود آوایی) اصول و قواعد صورت دستوری</p> <p>(+ اسم) (+ اسم)</p>
<p>نمود آوایی اصول و قواعد صورت دستوری</p> <p>ب بجا ← بجا</p> <p>(+ صفت) (+ اسم)</p>	<p>پذیرشگر ← پذیرش نمود آوایی</p> <p>ش گر (نمود آوایی) اصول و قواعد صورت دستوری</p> <p>(+ اسم) (+ اسم) (+ بن مضارع)</p>

<p>نمود آوایی اصول و قواعد صورت دستوری</p> <p>ت ه</p>	<p>دانش آموخته ← دان ش آموز</p> <p>+ صفت مفعولی (+ اسم) (+ بن مضارع)</p> <p>(+ اسم) (+ اسم) (+ بن مضارع)</p>
<p>نمود آوایی اصول و قواعد صورت دستوری</p> <p>ی اندیش خیر اندیشی ← خیر</p> <p>(+ اسم مصدر) (+ صفت)</p>	<p>عمق یابی ← عمق یاب نمود آوایی</p> <p>ی (نمود آوایی) اصول و قواعد صورت دستوری</p> <p>(+ اسم مصدر) (+ اسم)</p>
<p>نمود آوایی اصول و قواعد صورت دستوری</p> <p>ی هرگز هرگز ← هرگز</p> <p>(+ صفت) (+ قید)</p>	<p>درختکاری ← درخت کار نمود آوایی</p> <p>ی (نمود آوایی) اصول و قواعد صورت دستوری</p> <p>(+ حاصل مصدر) (+ اسم)</p>
<p>نمود آوایی اصول و قواعد صورت دستوری</p> <p>اک خور نیم خوراک ← نیم</p> <p>(+ اسم) (+ بن مضارع) (+ اسم)</p>	<p>ناخوانا ← نا خوان نمود آوایی</p> <p>ا (نمود آوایی) اصول و قواعد صورت دستوری</p> <p>(+ منفی) (+ صفت) (+ بن مضارع)</p>



جدول شماره ۲ - نمایش عملکرد های صرفی واژگان مشتق و اعمال قواعد زبان فارسی

۵-۳- اشتقاق به عنوان روابط واژگانی

جکندوف مطرح می‌کند که همه اشتقاق‌ها باید در واژگان فهرست شوند چون در آنها واژه‌سازی صورت می‌گیرد و با کلمه جدید روبرو هستیم (رابرت برد، ۱۹۹۰). این قواعد باید مد نظر گرفته شود تا امکان ایجاد واژه جدید یا نوواژه‌آ را داشته باشیم. قواعد واژگانی از بخش واژگان مستقل نیستند این قواعد یکسری الگوها و مدل‌هایی انتزاعی هستند که ویژگی‌های معنایی و آوایی را قسمت می‌کنند. بین واژه «یافت» که از مقوله فعل است با واژه مشتق «نایافت» که از مقوله صفت است ارتباط وجود دارد به این صورت که با اضافه کردن پیشوند «نا» به واژه «یافت» که از مقوله فعل است به یک صفت رسیده‌ایم. جایگاه فعل و صفت نیز در جدول شماره سه ارائه شده است. نسبت‌های واژگانی بین دو واژه «خواستار» و «خواست» نیز برقرار است. یعنی اینکه از فعل «خواست» واژه مشتق «خواستار» حاصل می‌گردد. نسبت‌های واژگانی در واژگان مشتق «عینکی»، «گچی»، «تابجا»، «باهوش»، «درختی»، «خطرناک»، «ناکام» همانند یکدیگرند. به این ترتیب که از واژه‌هایی با مقوله اسم، واژه‌های مشتق با مقوله صفت داریم. واژه‌های مشتق «درازا»، «پهنا» نیز در نسبت‌های واژگان کاملاً شبیه یکدیگر هستند. در هر دو واژه از مقوله صفت، واژه مشتق با مقوله اسم حاصل می‌گردد. نسبت‌های واژگانی بین دو واژه «امسال» و «امساله» نیز به روشنی مشخص است. از واژه امسال که قید است واژه «امساله» که صفت است ساخته می‌شود. از اسم یا قید یک صفت و از فعل یک اسم پدید می‌آید و یکسری ارتباطات بین واژگان مشتق شده، دیده می‌شود. در روند وند افزایشی یکسری نسبت‌ها بین واژه مشتق حاصل شده و واژه قبلی که اشتقاق از آن به وجود آمده، دیده می‌شود. به همین جهت ارتباطات واژگانی نیز یکی از ماهیت‌های فرایند اشتقاق به شمار می‌رود چرا که ما این نسبت‌ها را در واژگان ایجاد شده از فرایند وند افزایشی به روشنی می‌بینیم. در واژه‌های مشتق، وندها هسته معنایی و نیز هسته نحوی هستند. از آن جایی که وندهای اشتقاقی مقوله گذر هستند پس مقوله خود را بر کل واژه تحمیل می‌کنند. وندهای اشتقاقی هسته نحوی هستند چون مقوله کلمات را تعیین می‌کنند. آنها هسته معنایی کلمه نیز هستند. مثلاً اگر «- ناک» به معنای «پر و آمیخته» باشد آن گاه کلمه‌ای که قبل از آن قرار می‌گیرد معنای آن را محدود می‌کند. ماهیت سوم اشتقاق در واژگان زیر نمایش داده شده است.

¹ lexicon

² neologism

<p>نیافت</p> $\left(\begin{array}{c} / \text{یافت} / \\ + A \end{array} \right) \longleftrightarrow \left(\begin{array}{c} / \text{یافت} / \\ + V \end{array} \right)$ <p> $\left(\begin{array}{c} \text{صفت} + \\ \text{اسم (وابسته های پی رو) (صفت)} \end{array} \right) \longleftrightarrow \left(\begin{array}{c} \text{فعل} + \\ \text{(گروه قیدی)(نهاد) گروه فعلی یا فعل} \end{array} \right)$ </p>
<p>خواستار</p> $\left(\begin{array}{c} / \text{خواست} + \text{ار} / \\ + A \end{array} \right) \longleftrightarrow \left(\begin{array}{c} / \text{خواست} / \\ + V \end{array} \right)$ <p> $\left(\begin{array}{c} \text{صفت} + \\ \text{اسم (وابسته های پی رو) (صفت)} \end{array} \right) \longleftrightarrow \left(\begin{array}{c} \text{فعل} + \\ \text{(گروه قیدی)(نهاد) گروه فعلی یا فعل} \end{array} \right)$ </p>
<p>ناکام</p> $\left(\begin{array}{c} / \text{نا} + \text{کام} / \\ + A \end{array} \right) \longleftrightarrow \left(\begin{array}{c} / \text{کام} / \\ + N \end{array} \right)$ <p> $\left(\begin{array}{c} \text{صفت} + \\ \text{اسم (وابسته های پی رو) (صفت)} \end{array} \right) \longleftrightarrow \left(\begin{array}{c} \text{اسم} + \\ \text{هسته (اسم اضمعیر) (وابسته های پیشین و پسین)} \end{array} \right)$ </p>
<p>خطرناک</p> $\left(\begin{array}{c} / \text{خطر} + \text{ناک} / \\ + A \end{array} \right) \longleftrightarrow \left(\begin{array}{c} / \text{خطر} / \\ + N \end{array} \right)$ <p> $\left(\begin{array}{c} \text{صفت} + \\ \text{اسم (وابسته های پی رو) (صفت)} \end{array} \right) \longleftrightarrow \left(\begin{array}{c} \text{اسم} + \\ \text{هسته (اسم اضمعیر) (وابسته های پیشین و پسین)} \end{array} \right)$ </p>
<p>درازا</p> $\left(\begin{array}{c} / \text{دراز} + / \\ + N \end{array} \right) \longleftrightarrow \left(\begin{array}{c} / \text{دراز} / \\ + A \end{array} \right)$ <p> $\left(\begin{array}{c} \text{اسم} + \\ \text{هسته (اسم اضمعیر) (وابسته های پیشین و پسین)} \end{array} \right) \longleftrightarrow \left(\begin{array}{c} \text{صفت} + \\ \text{اسم (وابسته های پی رو) (صفت)} \end{array} \right)$ </p>
<p>درختی</p> $\left(\begin{array}{c} / \text{درخت} + \text{ی} / \\ + A \end{array} \right) \longleftrightarrow \left(\begin{array}{c} / \text{درخت} / \\ + N \end{array} \right)$ <p> $\left(\begin{array}{c} \text{صفت} + \\ \text{اسم (وابسته های پی رو) (صفت)} \end{array} \right) \longleftrightarrow \left(\begin{array}{c} \text{اسم} + \\ \text{هسته (اسم اضمعیر) (وابسته های پیشین و پسین)} \end{array} \right)$ </p>
<p>باهوش</p> $\left(\begin{array}{c} / \text{با} + \text{هوش} / \\ + A \end{array} \right) \longleftrightarrow \left(\begin{array}{c} / \text{هوش} / \\ + N \end{array} \right)$ <p> $\left(\begin{array}{c} \text{صفت} + \\ \text{اسم (وابسته های پی رو) (صفت)} \end{array} \right) \longleftrightarrow \left(\begin{array}{c} \text{اسم} + \\ \text{هسته (اسم اضمعیر) (وابسته های پیشین و پسین)} \end{array} \right)$ </p>

$\left(\begin{array}{c} \text{نا+ ب + جا /} \\ + A \end{array} \right) \longleftrightarrow \left(\begin{array}{c} \text{اجا /} \\ + N \end{array} \right)$	<p>نابجا</p>
$\left(\begin{array}{c} \text{+ صفت} \\ \text{اسم (وابسته های پی رو) (صفت)} \end{array} \right) \longleftrightarrow \left(\begin{array}{c} \text{+ اسم} \\ \text{هسته (اسم اضمیر) (وابسته های پیشین و پسین)} \end{array} \right)$	
$\left(\begin{array}{c} \text{اگج + ی /} \\ + A \end{array} \right) \longleftrightarrow \left(\begin{array}{c} \text{اگج /} \\ + N \end{array} \right)$	<p>گچی</p>
$\left(\begin{array}{c} \text{+ صفت} \\ \text{اسم (وابسته های پی رو) (صفت)} \end{array} \right) \longleftrightarrow \left(\begin{array}{c} \text{+ اسم} \\ \text{هسته (اسم اضمیر) (وابسته های پیشین و پسین)} \end{array} \right)$	
$\left(\begin{array}{c} \text{ایهن+ /} \\ + N \end{array} \right) \longleftrightarrow \left(\begin{array}{c} \text{ایهن /} \\ + A \end{array} \right)$	<p>پهنا</p>
$\left(\begin{array}{c} \text{+ اسم} \\ \text{هسته (اسم اضمیر) (وابسته های پیشین و پسین)} \end{array} \right) \longleftrightarrow \left(\begin{array}{c} \text{+ صفت} \\ \text{اسم (وابسته های پی رو) (صفت)} \end{array} \right)$	
$\left(\begin{array}{c} \text{اعین + ک + ی /} \\ + A \end{array} \right) \longleftrightarrow \left(\begin{array}{c} \text{اعین /} \\ + N \end{array} \right)$	<p>عینکی</p>
$\left(\begin{array}{c} \text{+ صفت} \\ \text{اسم (وابسته های پی رو) (صفت)} \end{array} \right) \longleftrightarrow \left(\begin{array}{c} \text{+ اسم} \\ \text{هسته (اسم اضمیر) (وابسته های پیشین و پسین)} \end{array} \right)$	
$\left(\begin{array}{c} \text{امسال- /} \\ + A \end{array} \right) \longleftrightarrow \left(\begin{array}{c} \text{امسال /} \\ + Adv \end{array} \right)$	<p>امساله</p>
$\left(\begin{array}{c} \text{+ صفت} \\ \text{اسم (وابسته های پی رو) (صفت)} \end{array} \right) \longleftrightarrow \left(\begin{array}{c} \text{+ قید} \\ \text{(گروه قیدی) (نهاد) (گروه فعلی یا فعل)} \end{array} \right)$	

جدول شماره ۳ - نمایش نسبت های واژگانی برخی کلمات مشتق فارسی در فرایند اشتقاق
(وند افزایی)

در کنار پسوندهای اصلی و حقیقی، نظر بر این است که نمونه‌هایی از پسوندواره‌های اسمی و فعلی نیز ارائه دهیم. پسوندواره‌های اسمی که در این مقاله ذکر می‌شوند شامل «-خانه»، «-سرا»، «-یار»، «-بازی» و پسوندواره‌های فعلی نیز «-ساز»، «-سازی»، «-بر»، «-سنج»، «-سنجی»، «-دار»، «-پذیر» است. ماهیت اشتقاق همانند نمونه‌های بالا در مثال‌های زیر نمایان هستند:

«کاروان» + «- سرا»، «نقشه» + «- ساز»، «نقشه» + «- سازی»، «موش مرده» + «- بازی»، «پزشک» + «- یار»، «تصویر» + «- سازی»، «آهنگ» + «- ساز»، «آهنگ» + «- سازی»، «پست» + «- خانه»، «سرفه» + «- بر»، «صفر» + «- بر»، «ژرفا» + «- سنج»، «ژرفا» + «- سنجی»، «خطا» + «- دار»، «شمشیر» + «- بازی»، «امکان» + «- پذیر».

ستاک‌های حال در این ترکیب‌ها نوعی پسوندواره هستند (کشانی، ۱۳۷۱: ۵۵) و از این رو، باید آنها را در حکم پسوندواره‌های فعلی و اسمی در نظر گرفت. اما باید توجه داشت که ستاک‌های حال موجود در ساختار اسم + ستاک حال به هیچ وجه رابطه‌شان با صورت فعلی قطع نشده است و در آنها روابط نحوی میان جزء اسمی و ستاک حال از ساخت موضوعی هر فعل منشا می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۹۴). در مثال - های زیر تفکیک ساختار واژگان مشتق نمایش داده شده است. پسوندهای هر واژه به طور واضح مشخص شده‌اند. در فرهنگستان زبان و ادب فارسی این واژگان به عنوان یک واژه مستقل به تصویب رسیده است و در علم زبان‌شناسی از واژگان مشتق تخصصی به شمار می‌آیند. هر سه ماهیت اشتقاق در دل واژگان مشتق زیر نهفته است.

وند افزایی ← وند + افزا + ی (پسوند - ی)
وندی ← وند + ی (پسوند - ی)
واجگونه ← واج + گونه (پسوند - گونه)
واجگونه‌ای ← واج + گونه + ی (پسوندهای - ی / - گونه)
روان ← رو + ان (پسوند - ان)
صورت ساز ← صورت + ساز (پسوند واره فعلی - ساز)
میانوند ← میان + وند (پسوند - وند)
میانوند افزایی ← میان + وند + افزا + ی (پسوندهای - وند / - ی)
میانوندی ← میان + وند + ی (پسوندهای - وند / - ی)
کناری ← کنار + ی (پسوند - ی)
غیر کناری ← غیر + کنار + ی (پیشوند غیر - / پسوند - ی)
کناری دوسویه ← کنار + ی + دو + سوی + ه (پسوندهای - ی / - ه)
واجی ← واج + ی (پسوند - ی)
واج شناسی ← واج + شناسی (پسوند واره فعلی)
آهنگ خیزان ← آهنگ + خیز + ان (پسوند - ان)
آهنگ افتان ← آهنگ + افت + ان (پسوند - ان)
کناری یکسویه ← کنار + ی + یک + سوی + ه (پسوندهای - ی / - ه)

غلطان ← غلت + ان (پسوند -ان)
آوایی ← آوا + ی (پسوند -ی)
نمود آوایی ← نمود + آوا + ی (پسوند -ی)
سایشی ← سای + ش + ی (پسوند های -ش / -ی)
آواشناسی ← آوا + شناسی (پسوند واژه فعلی -شناسی)
پیشوندی ← پیش + وند + ی (پسوندهای -وند / -ی)
سایش ← سای + ش (پسوند -ش)
نماد آوایی ← نماد + آوا + ی (پسوند -ی)
واکدار ← واک + دار (پسوند واژه فعلی - دار)

۶- نتیجه گیری

آنچه در این مقاله عنوان شد، توصیف مختصری از اشتقاق و سپس ماهیت ذاتی این پدیده بود، تا جایگاه آن در حوزه ساختواژه (صرف) مشخص گردد، در این راستا از رویکرد نظری رابرت برد استفاده و مفهوم گزینش واژگان، عملکردهای صرفی و نسبت‌های واژگانی در اشتقاق زبان فارسی با ذکر نمونه‌های متنوع از منابع گوناگون معرفی شد. مثال‌های استخراج شده نیز ماهیت‌های طبیعی و ندادافزایی را به روشنی نمایان کردند. اشتقاق زبان فارسی به عنوان یک فرایند واژه‌ساز در چارچوب پژوهش حاضر عمل نمود. ماهیت اشتقاق زبان فارسی با ماهیتی که رابرت برد در نظریه خود مطرح نموده بود هم‌راستا بود. درستی سه ماهیت مطرح در این نظریه در زبان فارسی با نمودارها و جدول‌ها به روشنی نمایان است. اشتقاق در زبان فارسی فرایندی واژه‌ساز است. اصول و قواعد صرفی (عملکرد صرفی) در ایجاد این فرایند دخیل هستند. واژه مشتق شده با واژه اصلی پیش از فرایند اشتقاق، نسبت واژگانی دارد. گزینش و نسبت واژه و همچنین قواعد صرف، سه عنصر اصلی فرایند واژه‌سازی موسوم به اشتقاق است. این مقاله تلاشی هر چند اندک برای نشان دادن ماهیت‌ها در اشتقاق واژه در زبان فارسی بود که طبق چارچوب پژوهش سه ماهیت مطرح به طور کامل در زبان فارسی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند.

منابع

- ارکان، فائزه (۱۳۹۰). «بررسی تحلیل عناصر ساختواژی کلمات مرکب فعلی بر مبنای نظریه صرف مبتنی بر واژه قاموسی»، پژوهش‌های زبانی، دوره ۲، شماره ۱، صص ۱-۲۰.
- افراشی، آزینا (۱۳۸۸). ساخت زبان فارسی، تهران: انتشارات سمت، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- انوری، حسن و حسن اهودی گیوی (۱۳۶۳). دستور زبان فارسی، تهران: انتشارات فاطمی.

- باطنی، محمد رضا (۱۳۷۲). «استفاده از اشتقاق در واژه سازی علمی»، مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی و زبان علم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، صص ۲۲۳-۲۳۵.
- باطنی، محمد رضا (۱۳۴۸). *توصیف ساخت دستوری زبان فارسی*، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
- برومند سعید، جواد (۱۳۸۳). *ریشه شناسی و اشتقاق در زبان فارسی*، کرمان: انتشارات دانشگاه با هنر.
- حق شناس، علی محمد (۱۳۷۹). «واژه سازی درون متن»، یک علاج قطعی، نشر دانش، سال ۱۷، شماره ۱، صص ۲۷-۳۱.
- خلیلی، کامیاب (۱۳۸۶). *فرهنگ واژه سازی در زبان فارسی*، نشر تهران: قصیده سرا.
- رفیعی، عادل (۱۳۹۱). *مفهوم عامل در واژه های مشتق زبان فارسی*، مجله پژوهش های زبان شناسی، سال چهارم، شماره دوم، صص ۳۱-۱۹.
- رفیعی، عادل (۱۳۸۹). *اشتقاق پسوندی در زبان فارسی*، مجله دستور (ویژه نامه فصلنامه علمی - پژوهشگاه فرهنگستان، شماره ۴، صص ۱۰۵-۶۹.
- سمیعی گیلانی، احمد (۱۳۸۰). «ترکیب و اشتقاق دو ابزار واژه سازی»، در مجموعه مقالات نخستین هم اندیشی مسائل واژه گزینی و اصطلاح شناسی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- شقایق، ویدا (۱۳۸۶). *مبانی صرف*، تهران: انتشارات سمت.
- شقایق، ویدا (۱۳۸۱). «پیشوند نفی در زبان فارسی»، نامه فرهنگستان، شماره ۲۰، صص ۸۵-۹۶.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۵۸). *دستور زبان فارسی*، سال چهارم آموزش متوسطه عمومی، فرهنگ و ادب، تهران: سازمان کتاب های درسی ایران.
- طباطبایی، علاءالدین (۱۳۸۹). «فرایندهای واژه سازی زبان فارسی و استقلال صرف و نحو»، مجله پژوهش های زبان شناسی، سال دوم، شماره دوم، صص ۹۹-۸۷.
- طباطبایی، علاءالدین (۱۳۸۲). *اسم و صفت مرکب در زبان فارسی*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- عاصی، مصطفی (۱۳۸۹). «رده بندی واژه های مرکب»، فصلنامه زبان و ادب پارسی، شماره ۴۶.
- عباسی، مجید و دیگران (۱۳۹۳). «مقایسه فرایند اشتقاق در دو گونه علمی و محاوره ای زبان فارسی»، پژوهش های زبانی، سال ۵، شماره ۱.
- عمید، حسن (۱۳۵۹). *فرهنگ عمید*، تهران: امیر کبیر.
- غلامعلی زاده، خسرو (۱۳۷۴). *ساخت زبان فارسی*، تهران: شرکت انتشارات احیاء کتاب.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۷۵). *گفتارهایی درباره دستور زبان فارسی*، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
- فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه واژه گزینی (۱۳۸۴). *فرهنگ واژه های مصوب فرهنگستان*، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- قریب، عبدالعظیم؛ بهار، محمدتقی؛ فروزان فر، بدیع الزمان؛ همایی، جلال و رشید یاسمی (۱۳۶۳) *دستور زبان فارسی*، تهران: سازمان انتشارات اشرفی.

کلباسی، ایران (۱۳۷۱) *ساخت اشتقاقی واژه در زبان فارسی امروز*، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

کشانی، خسرو (۱۳۷۱) *اشتقاق پسوندی در زبان فارسی امروز*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

میر سعیدی، عاطفه سادات (۱۳۹۱). *وند/افزایی در زبان فارسیگ وند بنیاد یا پایه بنیادگ*، مجله زبانشناسی و

گویش‌های خراسان، دانشگاه فردوسی مشهد، علمی پژوهشی، شماره پیاپی ۶.

ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۲). *دستور زبان فارسی*، تهران: انتشارات توس.

نوبهار، مهرانگیز (۱۳۷۲). *دستور کاربردی زبان فارسی*، تهران: انتشارات رهنما.

واحدی لنگرودی، محمد مهدی و مهدی قادری (۱۳۸۹). «ساخت موضوعی کلمات مشتق در زبان فارسی»،

زبان شناخت، سال اول، شماره اول، صص ۷۴-۵۷.

هورن، پل (۱۳۵۶). *اساس اشتقاق فارسی*، ترجمه جلال خالقی مطلق، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

Adems.V(1973). *An Introduction to Modern English Word Formation*, London, Longman.

Alinei .M (1984). "Round Table on Word Formation and Meaning, *Quaderni di Semantica*". 5, 43-142, 275-365.

Anderson.S.R.. (1982). "Where's Morphology?" *LIN* 13, 571 -612.

Beard, Robert (1987). "Lexical Stock Expansion. Rules and the Lexicon Studies" in *Word Formation*, ed. Edmund Gussmann. Lublin: Catholic University Press, 24-41.

Beard, Robert (1988). "The Separation of Derivation and Affixation: Toward a Lexeme- Morpheme Base Morphology". *Quarderni di semantica* 5.277-287 [Also IULC 1986].

Beard, Robert (1990). "The Nature and Origins of Derivational Polysemy." *Lingua* 81.101-140.

Bybee. J. L. (1985). *Morphology: a Study of the Relation between Meaning and form*, Amsterdam, Benjamins.

Lyons,J(1990). *Language & Linguistics: An Introduction*, Cambridge: Cambridge university Press.

Scalise. S. (1984). *Generative Morphology*, Dordrecht, Foris.

Spencer.A and A.M. Zwicky (2001). *The Handbook of Morphology*: Oxford, Malden: BlackWell.

پیوست‌ها

جدول شماره واژگان مشتق استخراج شده از فرهنگ‌های لغت :

شماره	نمونه واژه	وند	اجزا پیش از وند افزایی
۱	نقشه سازی	ه- / سازی	نقش
۲	نقشه ساز	ه- / ساز	نقش
۳	دراز	ا-	دراز
۴	عمق یابی	ی-	عمق + یاب
۵	دوده	ه-	دود
۶	کاروان سرا	سرا-	کاروان
۷	درختزار	زار-	درخت
۸	جنگل همسال	هم -	جنگل / سال
۹	موش مرده بازی	ه- / بازی	موش / مرد
۱۰	دادگر	گر-	داد
۱۱	نا بجا	نا- / ب-	جا
۱۲	نایافت	نا-	یافت
۱۳	نیم خوراک	اک-	نیم / خور
۱۴	ناخوانا	نا- / ا-	خوان
۱۵	درختستان	ستان-	درخت
۱۶	نا درست	نا-	درست
۱۷	درختکاری	ی-	درخت / کار
۱۸	درختگون	گون-	درخت
۱۹	درختی	ی-	درخت
۲۰	خطا دار	دار-	خطا
۲۱	تصویر سازی	سازی-	تصویر
۲۲	آهنگ ساز	ساز-	آهنگ
۲۳	آهنگ سازی	سازی-	آهنگ
۲۴	سرجنگلبان	سر- / بان	جنگل
۲۵	جنگلبان	بان-	جنگل
۲۶	پذیرش	ش-	پذیر

^۱ وندهایی که در جدول داده شده زیر آنها خط کشیده شده اند جزء پسوند واژه‌های اسمی و فعلی زبان فارسی‌اند و مابقی وندها، پسوندها و پیشوندهای اصلی و حقیقی این زبان به شمار می‌آیند (کشانی، ۱۳۷۱).

پذیر	-ش/-گر	پذیرشگر	۲۷
پست	-خانه	پست خانه	۲۸
خیر/اندیش	-ی	خیر اندیشی	۲۹
جا	-ب	بجا	۳۰
خواست	-ار	خواستار	۳۱
ارتعاش	-گر	ارتعاشگر	۳۲
وب/نویس	-ی	وب نویسی	۳۳
نرم	-ش	نرمش	۳۴
وب	-گاه	وب گاه	۳۵
پزشک	-یار	پزشک یار	۳۶
ساز	-هم	همساز	۳۷
پای	-نا/-هم/-ه	نا همپایه	۳۸
هرگز	-ی	هرگز ی	۳۹
پشت	-هم	هم پشت	۴۰
ارز	-هم	هم ارز	۴۱
دان/آموز	-ش/-انه	دانش آموزانه	۴۲
زر د	-ه	زرده	۴۳
هوش	-با	با هوش	۴۴
سبز	-سر	سر سبز	۴۵
امسال	-ه	امساله	۴۶
شاخ	-سر/-ه	سر شاخه	۴۷
کوش	-ا	کوشا	۴۸
سوز	-ا	سوزا	۴۹
مهر	-بان	مهربان	۵۰
دان/آموز	-ش/-ه/-گی	دانش آموختگی	۵۱
ژرف	-ا	ژرفا	۵۲
پشم	-ک/-ی	پشمکی	۵۳
گچ	-ی	گچی	۵۴
داشت	-نا	نداشت	۵۵
سرفه	-بر	سرفه بر	۵۶
صفرا	-بر	صفرا بر	۵۷

حقوق	-دان	حقوقدان	۵۸
ریاضی	-دان	ریاضی دان	۵۹
شمشیر	-بازی	شمشیر بازی	۶۰
روز	-ی	روزی	۶۱
دان/آموز	-ش/ه	دانش آموخته	۶۲
خب	-اک	خباک	۶۳
امکان	-پذیر	امکان پذیر	۶۴
توان	-نا	ناتوان	۶۵
نگه	-بان	نگهبان	۶۶
مهر	-نا/-بان	نامهربان	۶۷
روز	-ب	بروز	۶۸
پهنا	-ا	پهنا	۶۹
دان	-نا	نادان	۷۰
عین	-ک/-ی	عینکی	۷۱
ژرف	-ا/-سنج	ژرفا سنج	۷۲
ژرف	-ا/-سنجی	ژرفا سنجی	۷۳
تخم مرغ	-ی	تخم مرغی	۷۴

جدول شماره واژگان مشتق در علم زبان شناسی استخراج شده از فرهنگ واژه های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی:

شماره	نمونه واژه	وند	اجزا پیش از وند افزایی	معادل انگلیسی
۱	وند افزایی	-ی	وند/افزا	affixation
۲	وندی	-ی	وند	affixing
۳	واجگونه	-ه	واج/اگون	allophone
۴	واجگونه ای	-ه/-ی	واج/اگون	allophonic
۵	روان	-ان	رو	liquid
۶	صورت ساز	-ساز	صورت	formative
۷	میانوند	-وند	میان	infix

infixation	میان/افزا	-وند/ی	میانوند افزایی	۸
infixing	میان	-وند/ی	میانوندی	۹
lateral	کنار	ی	کناری	۱۰
Non-lateral	کنار	غیر-/ی	غیر کناری	۱۱
Bilateral	کنار/دو/اسوی	ی/ه	کناری دوسویه	۱۲
phonemic	واج	ی	واجی	۱۳
phonology	واج	-شناسی	واج شناسی	۱۴
Rising intonation	آهنگ/خیز	-ان	آهنگ خیزان	۱۵
Falling intonation	آهنگ/افت	-ان	آهنگ افتان	۱۶
unilateral	یک/اسوی/کنار	ی/ه	کناری یکسویه	۱۷
voiced	واک	-دار	واکدار	۱۸
rolled	غلت	-ان	غلتان	۱۹
phonetic	آوا	ی	آوایی	۲۰
Phonetic representation	نمود/آوا	ی	نمود آوایی	۲۱
phonetics	آوا	-شناسی	آواشناسی	۲۲
fricative	سای	-ش/ی	سایشی	۲۳
prefixing	پیش	-وند/ی	پیشوندی	۲۴
friction	سای	-ش	سایش	۲۵
Phonetic symbol	نماد/آوا	ی	نماد آوایی	۲۶

سازگاری

.....